



## نرخ رشد نقدینگی به ۲۴ درصد رسید

نرخ رشد نقدینگی از ۴۰ درصد به ۲۴/۳ درصد رسیده است. به گزارش فارس، محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد: نرخ سپرده قانونی را با هدف کنترل نقدینگی دو بار افزایش دادیم و از ۱۰/۶ درصد به ۱۱/۸۶ درصد نسبت سپرده قانونی رساندیم. رئیس کل بانک مرکزی گفت: نرخ رشد نقدینگی بالای ۴۰ درصد رشد پایه پولی ۲۵ درصد بود، اما هدف رشد نقدینگی ۲۵ درصد بود که سال گذشته به ۲۴/۶ درصد رشد نقدینگی دست یافتیم. به گفته فرزین بانک مرکزی دنبال سیاست ثبات مالی است که اعم از ثبات پولی است. فرزین گفت: هدف کنترل نقدینگی را اعلام کردیم و می‌خواهیم تورم تولید ppi را که الان ۳۷ درصد است به کانال ۲۰ درصد بیاوریم. او همچنین افزود: بازار غیررسمی با کانال‌های غیررسمی می‌خواهند با انتظارات تورمی به افزایش نرخ بدمند.



## ممنوعیت جدید فروش طلا

بانک مرکزی مبتنی بر ممانعت از عرضه طلای وارداتی توسط صادرکنندگان پتروشیمی، پالایشی، فولادی، فلزات اساسی و فرآورده‌های نفتی از محل ارز صادرات متعلقه به منظور رفع تعهدات ارزی بخش‌نامه صادر کرد. بانک مرکزی طی نامه‌ای به مرکز مبادله ارز و طلای ایران اعلام کرد: طبق آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که مصوب آذرماه سال ۱۴۰۱ هیئت وزیران است، صادرکنندگان محصولات با کد تعرفه کالایی پتروشیمی، پالایشی، فولادی، فلزات اساسی رنگین و فرآورده‌های نفتی مکلفند ۱۰۰ درصد از ارز حاصل از صادرات خود را به صورت حواله در سامانه نیما بفروشند و رفع تعهد صادراتی کنند. همچنین به استناد تبصره یک این قانون، واردات مواد اولیه و کالا و خدمات ضروری سالانه صرفاً به منظور نیاز تولید است؛ بنابراین مشمول واردات طلا نخواهد بود. از این رو، بانوچه به مجموعه مقررات ارزی که رفع تعهدات صادراتی منوط به اخذ تاییدیه تحویل، عرضه و فروش طلای وارد از آن مرکز شده است، از عرضه طلای وارداتی توسط صادرکنندگان فوق ممانعت شود.



## نرخ جدید برق برای استخراج رمز ارز

نرخ ریالی هر کیلووات ساعت برق مصرفی برای استخراج رمز ارز در بازه زمانی ۲۸ اردیبهشت تا ۲۸ مرداد سال جاری، ۲۸ هزار و ۳۲۰ ریال تعیین شده است. به گزارش مهر، مصطفی رجبی مشهدی، مدیرعامل شرکت توانیر گفت که نرخ ریالی هر کیلووات ساعت برق مصرفی برای استخراج رمز ارز در بازه زمانی ۲۸ اردیبهشت تا ۲۸ مرداد سال جاری، ۲۸ هزار و ۳۲۰ ریال تعیین شده است. این نرخ براساس مصوبه هیئت وزیران با موضوع «اصلاح آیین‌نامه استخراج رمز دارایی‌ها» و با هدف ساماندهی فعالیت ماینرها و جلوگیری از اتلاف منابع انرژی، ابلاغ شده است. مدیرعامل توانیر، در این باره گفت: نرخ مذکور بر مبنای متوسط ریالی برق صادراتی و براساس میانگین نرخ تسعیر ارز محاسبه شده است. او همچنین تاکید کرد که خرید برق از شبکه برای استخراج رمز ارز در اوقات محدودیت‌دار ممنوع است.

# جلوی ذی‌نقودان غیردولتی نمی‌توان ایستاد

در نشست الزامات پیاده‌سازی نظارت بانکی مؤثر در ایران تاکید شد:

هیچ معاون نظارتی در بانک مرکزی و هیچ سازمان نظارتی نمی‌تواند از عهده نظارت بر بانک‌های شبه دولتی بر بیاید



علی ایوبی

گزارشگر هم‌میهن

نزدیک به یک قرن از شروع نظام بانکداری دولتی مدرن و بیش از دو دهه از آغاز به کار بانک‌های خصوصی و شبه‌دولتی در کشور می‌گذرد اما نظارت بر آنها هنوز کلاف سردرگمی است که چاره‌ای برای آن اندیشیده نشده است. پرسش مهمی که در تمام این سال‌ها وجود داشته این است که آیا بانک مرکزی باید نهاد ناظر بر بانک‌ها باشد و یا نهاد دیگری باید این مسئولیت را بپذیرد؟ آیا بانک مرکزی می‌تواند هم سیاستگذار پولی باشد و هم سیاستگذار نظارتی؟ آیا قوانین و مقررات بانکی کشور به‌خصوص بعد از تاسیس بانک‌های خصوصی توان نظارتی مناسبی را برای آنها ایجاد کرده است؟ و شاید پرسش مهمتر این باشد که آیا نظارت‌های بانک مرکزی و حتی فراتر از این بانک می‌تواند مسئله رانت جویی در نظام بانکی را حذف و یا کنترل کند؟

در همین خصوص روز یکشنبه در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران نشست «الزامات پیاده‌سازی نظارت بانکی مؤثر در ایران» با حضور عباس دادجو توکلی، دکترای اقتصاد و کارشناس حوزه بانکی، تیمور رحمانی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران، کامران ندری، استاد اقتصاد دانشگاه امام صادق و علی مدنی‌زاده، استاد دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد و آنها نظرات خود را در مورد کیفیت نظارت بانک مرکزی بر بانک‌های دولتی و خصوصی بیان کردند. این اساتید در سخنان خود به این موضوع پرداختند که نظارت بر بانک‌ها در کشور از چه کیفیتی برخوردار است و با چه سازوکارهایی می‌توان نظام بانکی کشور را که با مشکلاتی همچون دولتی بودن، رانت‌جویی، تحریم‌ها و تورم فرآیندها روبه‌رو است، نظارت کرد.

## نظارت بانکی با چالش جدی مواجه است

عباس دادجو توکلی: مهم نیست به بانک‌ها از کدام مکتب اقتصادی نگاه کنیم، چراکه به‌رحال بانک باید تامين مالی انجام دهد. آنچه که تمام مکاتب اقتصادی بر آن تاکید دارند این است که بانک باید در چارچوب عملکرد و وظایف خود تامين مالی اقتصادی، آن هم از جنس فعالیت‌های تولیدی انجام دهد. اگر به روند توسعه بسیاری از کشورها دقت کنیم، فعالیت‌های بانکی و تامين مالی آنها برای توسعه بسیار مفید بوده اما مواردی نیز وجود دارد که باید به آن توجه کرد؛ یکی اینکه اگر سیستم بانکی در راستای بهینه اجتماعی حرکت نکند و طبق ادبیات مرسوم ما، اگر بخش عملیات غیرمولد، اشخاص غیر مرتبط و هر چیزی که در مسیر تولید انحراف ایجاد می‌کند را تامين مالی کند برای اقتصاد کشور مخرب خواهد بود.

نزدیک به چهار دهه است که بحث نظارت بر عملکرد بانک‌ها حائز اهمیت شده است. اگر به دهه هشتاد میلادی نگاه کنیم خواهیم دید که تلاش شد تا بانک‌ها نظارت پذیر شوند و فعالیت‌های آنها تحت کنترل باشد. از دهه شصت به بعد وقتی ادعاهای مالی بانک‌ها بیشتر شد، آثار مخرب آن نیز بیشتر خود را نشان داد.

نظارت بانکی این هدف را داشت که بانک‌ها مشروط به داشتن برخی الزامات فعالیت داشته باشند؛ حتی اگر دگراندیش‌ترین مقالات اقتصادی را نیز بخوانید بر روی این مسئله تاکید دارند که بر روی الزامات اختلاف و تردیدی وجود ندارد و الزامات ذخیره‌ای و الزامات سرمایه‌ای، به‌عنوان پیش‌نیاز فعالیت بانک‌ها در نظر گرفته شده است. اما وقتی روند بحران‌های بانکی را از دهه ۷۰ میلادی به بعد نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که لزوماً این الزامات بازدارنده نبوده است.

در ایران، از دهه ۸۰ شمسی و بعد از تاسیس بانک‌های خصوصی، نظارت بر بانک‌ها شکل گرفت؛ گویی تازه بانک‌ها در کشور شکل گرفته‌اند و باید برای آنها دستورالعمل و آیین‌نامه‌های نظارتی نوشت که ضعف بسیار بزرگی محسوب می‌شد. این روند نشان می‌دهد که حوزه نظارت بانکی در ایران خوب عمل نکرده است و چالش‌های جدی دارد.

بند هر ماه که گزارش‌های نظارتی از نهاد‌های مختلف را می‌خوانم به این نتیجه رسیده‌ام که روند خوبی را طی نمی‌کنیم؛ البته بحث امروز و دیروز هم نیست و شاید اگر تحریم‌های اقتصادی نبود اثرات مخرب و زیانبار آن، این چنین واضح برای ما مشخص نمی‌شد.

اما این سوال نیز وجود دارد که چه نهادی باید نظارت کند؟ دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که آیا بانک مرکزی می‌تواند هم سیاستگذار پولی باشد و هم سیاستگذار نظارتی؟ یا حتی گفته می‌شود که نهادی بیرون از بانک مرکزی باید نظارت داشته باشد. اما ما باید به این پرسش بیاوریم که چه شد نظارت را در اقتصاد کشور فراموش کردیم و این ناترازی بانکی ایجاد شد و سرریز آن وارد شاخص‌های اقتصادی شد.

من با مطالعه صورت‌های مالی بانک‌ها به این نتیجه رسیده‌ام که دهها طول خواهد کشید که به استاندارد بین‌المللی برسیم و باید در مورد اصلاح آن برنامه بلندمدت داشت.

## مشکل این است که نظارت ما پسینی است

تیمور رحمانی: من یک نکته مهم و اساسی را همین ابتدا بگویم؛ اساساً مهم نیست که نظارت را بانک مرکزی انجام دهد یا نهاد دیگر. آنچه مهم است این است که اگر نظام نظارتی مسئله داشته باشد امکان ندارد سیاست پولی قابل قبولی داشته باشیم و حتی نمی‌توان تورم را به صورت پایدار کنترل کرد.

برخی در ایران این مسئله را مطرح می‌کنند که نظارت بر بانک‌ها را به نهادی به غیر از بانک مرکزی واگذار کنیم و بانک مرکزی فقط سیاست پولی را مدیریت و نظارت کند که به نظر من در اصل مسئله تفاوتی ندارد. شاید از نظر مدیریتی کار را برای این بانک ساده‌تر کند اما اصولاً نمی‌توان چیزی با عنوان سیاست پولی قابل قبول برای تثبیت و سر و سامان دادن به اقتصاد داشته باشیم اما نهاد نظارتی نیز کار خود را انجام دهد.

نکته بعد اینکه از روز اول پیدایش پول و بانک، این دو با مسئله «رانت‌جویی» مواجه بوده‌اند و در آینده نیز خواهند بود و اساساً مسئله رانت‌جویی از دل نظام پولی و بانکی خارج نمی‌شود و تنها می‌توان شدت و ضعف آن را کنترل کرد. این مسئله نیز مختص



## تیمور رحمانی

استاد دانشگاه تهران:

از روز اول پیدایش پول و بانک، این دو با مسئله «رانت‌جویی» مواجه بوده‌اند و در

آینده نیز خواهند بود و اساساً مسئله

رانت‌جویی از دل نظام پولی و بانکی

خارج نمی‌شود و تنها می‌توان شدت و ضعف آن را کنترل کرد. این مسئله

نیز مختص کشور ما نیست و در همه جای دنیا وجود دارد

و بسته به میزان رانت‌جویی که در

اقتصاد وجود داشته، نوع نظام بانکی

متفاوتی شکل گرفته است

کشور ما نیست و در همه جای دنیا وجود دارد و بسته به میزان رانت‌جویی که در اقتصاد وجود داشته، نوع نظام بانکی متفاوتی شکل گرفته است؛ مثلاً نظام بانکی کانادا از ابتدا به گونه‌ای بوده که تعداد بانک‌های آن کم بوده اما بانک‌های بزرگی داشته است. در آمریکا تعداد بانک‌ها خیلی زیاد است و از یک زمانی به بعد تعداد بانک‌های بزرگ آن نیز افزایش پیدا کرده است و در واقع تمام این تحولات و تکانه‌هایی که در این زمینه رخ داده، نوع رانت‌جویی را نشان می‌دهد؛ پس باید ببینیم که پدیده رانت وجود دارد و به دنبال اتویا نباشیم که می‌توانیم سیستم بانکی ایجاد کنیم که فساد در آن صفر باشد.

جامعه خوب جامعه‌ای است که به همه چیز واقع‌بینانه نگاه کند و قبول کند که بانک از جمله نهادهایی است که می‌تواند منافع مالی خوبی را برای برخی افراد ایجاد کند. از نظر اخلاقی کار درستی نمی‌کنند اما باید آن را به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی بپذیریم. نباید تصور کنیم که با مطالعه و مقررات‌گذاری می‌توانیم یک نظام بانکی ایجاد کنیم که مو لای درز آن نرود.

فکر می‌کنید چرا در آمریکا به یکباره بسیاری از بانک‌ها بزرگ شدند و در همه ایالت‌ها و حتی خارج از کشور شروع به فعالیت کردند؟ اگر دقت کنیم خواهیم دید که رفتار کنگره آمریکا و رئیس‌جمهور وقت آمریکا به این صورت بوده که امتیازهایی را به این بانک‌ها داده و امتیازهایی از آنها گرفته‌اند؛ مثلاً وام‌هایی را به افرادی داده‌اند تا بتوانند از طریق تبلیغات انتخاباتی وارد کنگره شوند و آنها قانون تصویب کنند که بانک‌ها بتوانند در ایالت‌های دیگر نیز شعبه بزنند. این نشان می‌دهد حتی در کشوری که فکر می‌کنیم بسیار اقتصاد محکم و قوانین سختی دارد نیز چنین رانت‌هایی وجود دارد. اگر به اقتصاد ایران نیز نگاه کنیم راحت می‌توانیم آن را با منطق رانت‌جویی توضیح دهیم و حتی مسئله تورم را نیز می‌توان با این پدیده توضیح داد و اتفاق تازه‌ای هم نیست. تقریباً از سال ۱۳۴۹ آغاز می‌شود و تاکنون نیز ادامه دارد و فقط گاهی کم و گاهی زیاد می‌شود.

باز باید به مسئله نظارت برگردیم و اینکه چرا مثلاً به کسی که فرش یا پوشاک تولید می‌کند چندان نظارتی نداریم و همین که استانداردی را رعایت کند، کفایت می‌کند؛ سوال اینجاست که چرا درباره بانک نظارت عمومی وجود دارد؟ چون به‌رحال فعالیت بانکی تعهداتی در ترازنامه ایجاد می‌کند که ظاهر تعهد بانک به مردم است اما یقه حکومت را نیز خواهد گرفت و مردم از حکومت توقع دارند که جوابگو باشد. به همین دلیل باید سیستم نظارتی مطمئن شود دارایی‌هایی که بانک تصاحب می‌کند و تعهداتی که برای خود ایجاد می‌کند، خیلی اشکال در آن ایجاد نشود و ناترازی مهمی در آن ایجاد نشود که از پس تعهدات برنیاید و در نتیجه حکومت دچار مشکل شود چرا که در کنار این ورشکستگی مالی چندین پدیده اجتماعی و اقتصادی نیز رخ خواهد داد و حکومت باید تاوان و هزینه آن را بپردازد. هزینه بانکی که درست کار نکند (نه به معنی درآمد و سود بانکی، بلکه به معنی فعالیت درستی که سیاستگذار انتظار دارد) را مردم از جیب خود باید بدهند، در اینجا دولت یا باید تورم را به مردم تحمیل کند و یا با گرفتن مالیات بیشتر زیان بانک را تقبل کند که باز ضرر آن به جامعه برمی‌گردد.

مشکلی که در ایران وجود دارد این است که به‌طور سنتی نظارت

